

محمدتقی جواهری میلانی
(نام مستعار شمس لنگرودی)

چهره های شعر امروز ایران

(۹)



تولد: ۱۱ فروردین ۱۳۳۰ لنگرود

دیپلم ریاضی لیسانسیه اقتصاد و بازرگانی

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مجموعه شعرها:

۱. رفتار تشنگی ۱۳۵۵

۲. در مهتابی دنیا ۱۳۶۳

۳. خاکستر و بانو ۱۳۶۵

۴. جشن ناپیدا ۱۳۶۷

۵. قصیده لبخند چاک چاک ۱۳۶۹

تحقیق:

۶. سبک هندی و کلیم کاشانی (گردباد شور جنون) ۱۳۶۶

۷. تاریخ تحلیلی شعر نو (از ۱۲۸۴ تا ۱۳۵۷ در دو مجلد) جلد دوم زیر چاپ ۱۳۷۰

۸. مکتب بازگشت (زیر چاپ)

حکایت بارانی بی‌امان است
اینگونه که من
دوستت می‌دارم. -

شوریده‌وار و پریشان باریدن،
بر خزه‌ها و خیزاب‌ها
به بیراهه و راه‌ها تاختن،
بی‌تاب، بی‌قرار
دریائی جستن
و به سنگچین باغ بسته دری سر نهادن
و تو را به یاد آوردن

چون خونی، در دل
که همواره فراموش می‌شود.

حکایت بارانی بی‌قرار است
اینگونه که من

دوستت می‌دارم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۶ بهمن ۱۳۷۱

شامگاه

به بیژن نجدی

شامگاه زمستانی در حیاط
شاخه‌ها
در باران.

نارنج‌های فراموش -
خورشیدهای ظریف مه‌زده در تاریکی
ترسیده و پنهان می‌درخشند.

باد می‌وزد
شاخه‌های شکسته بر ایوان می‌ریزد.

لابه‌لای صنوبرها
صورتت را می‌بینم
که تمام می‌شود.

بهار ۱۳۷۱



رؤیا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در سایه چاقو
سنجاقک
خواب رفته است.

- نه

بیدارش مکن،
پیراهن خونینت را بر شانه گیلان بزن رها کن
که به دریا بپراکند باد
خاطره‌های خونس را.

در سایه چاقو
سنجاقک
خواب رفته است؟

با رؤیای دو باز جوان
در پرهایش.

۴ آذر ۱۳۶۵

غرق

ایستادم و رود را، چون طاقه شالی برگرفتم
طاقه طاقه گشودم و گرداگردم
جویباره های لطیف، نور نم آلود، از دستم فروریخت.

و من
در آب نیلگون و سنگ و سبزه فرومی رفتم
در آسمان آب شده، تصویرها و لرزش باغ های خفته
فرومی رفتم، ...

بر سر آن نبودم که بمیرم
کناره خاموش! طالعات فریبی
در دامانت ایستادم
رتال جامع علوم انسانی
و بر سر سنگ ها و رودخانه دستم
غرقه شدم.

تیرماه ۱۳۶۶